

# درباره خداوند و هنر در گفتگو با یک دوست...

اکثر مذاهب از خداوند به شکل مذکر یاد میکنند. در چشم من، او همانقدر یک مادر است که یک پدر. او در عین حال پدر و مادر است. وزن نمونه خدای مادرانه. ما می توانیم "خدای پدرانه" را با عقل و یا تخیل دریابیم، ولی برای ملاقات با "خدای مادرانه" باید از قلب عبور کنیم، از عشق....

بعضی ها می پندارند که هنر تقلیدی ست از طبیعت. ولی طبیعت آنچنان والاست که قابل تقلید نیست.

هنر حتی در اصیلترین و زیباترین شکل خود نیز قادر به تحقق بخشیدن یکی از معجزات طبیعت نمی باشد. و از طرفی تقلید چرا؟ در حالی که میتواند احساس شود... با وجودی که برخوردار از حسّ باشد...

هنر در واقع برای فهمیدن طبیعت است، و انتقال این درک به کسانی که از آن بی خبرند. .. مأموریت هنر انتقال روح درخت است و نه کشیدن یک تنه، شاخه ها و برگهایی که شبیه به یک درخت باشند...

قصه هنر، آشکار نمودن باطن و هشیاری دریاست، و نه کشیدن موجهای کف آلود و آب لاجوردی...

هنر، قدم برداشته شده یک آشنای پیدا به سوی یک ناشناس پنهان است، از طبیعت به سوی بی کرانگی...

من یک گرسنگی سخت برای آثار بزرگ هنری و یک حسرت کشنده برای سخنان عمیق و لایزال در خود احساس می کنم. و فکر می کنم که این گرسنگی و این حسرت زاده یک نیروی نهفته در عمق وجودم باشند که با عجله قصد بروز و خودنمایی دارند... ولی همچنان ناتوانند... چرا که لحظه مقدر هنوز مقدر نیست.

گفته های پراکنده از جیبران خلیل جیبران

منبع: زندگی الهام گرفته نویسنده "پیامبر"

نویسنده و محقق: ژان پی یر ددها

مترجم: فروغ طاعتی

تصویر: فروغ طاعتی

"رز" پاستل روی کارتن

